



نقد و بررسی چهار شبهه ابن تیمیه پیرامون شأن نزول آیه صادقین

مریم شاه‌علی^۱

سیدحسین شفیعی دارابی^۲

چکیده

آیه مبارکه «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَكُونُوا مَعَ الصَّادِقِينَ» که به «آیه صادقین» مشهور است، یکی از آیات کلیدی در بحث امامت و ولایت به شمار می‌رود. بر باور تمامی علمای شیعه، این آیه شریفه در شأن و فضیلت امیرالمؤمنین علی (ع) و ائمه معصومین (ع) نازل شده است. اما علمای اهل سنت، ضمن اذعان به نزول آن در مورد امیرالمؤمنین (ع)، تفاسیر دیگری نیز برای آن ارائه می‌کنند. ابن تیمیه، از علمای برجسته اهل سنت، در تفسیر این آیه، یازده شبهه را مطرح کرده است که چهار مورد از آنها به شأن نزول آیه مربوط می‌شود. او یکی از این شبهه‌ها را لقب «صدیق» ابوبکر دانسته و مدعی شده که آیه در شأن و فضیلت او بر امیرالمؤمنین (ع) نازل شده است. این عالم متعصب اهل سنت، همچنین با اشاره به نزول آیه در شأن کعب بن مالک و جمع بودن واژه «صادقین»، مدعی می‌شود که این آیه نمی‌تواند در شأن حضرت علی (ع) نازل شده باشد. این پژوهش با روش توصیفی - تحلیلی به بررسی شبهات ابن تیمیه در جهت نفی نزول آیه صادقین در مورد امام علی (ع) و پاسخ به آنها می‌پردازد. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که شبهه صدیق بودن ابوبکر و افضلیت او بر امام علی (ع) ادعایی بدون دلیل و سندی معتبر است. روایات مربوط به صدیق بودن ابوبکر نیز ساختگی و از نظر سند ضعیف هستند. در مقابل، روایات معتبر متعددی از منابع شیعه و اهل سنت، امیرالمؤمنین (ع) را به عنوان صدیق واقعی معرفی می‌کنند.

واژگان کلیدی

ابن تیمیه، امام علی (ع)، امامت و ولایت، آیه صادقین، شأن نزول، صدیق.

Email: m93.shahali@Gmail.com	۱- دانش پژوه سطح ۴، تفسیر تطبیقی، جامعه الزهراء (ع) (نویسنده مسنول)
Orcid: 0009-0008-2300-0413	۲- استادیار گروه تفسیر و علوم قرآن، جامعه المصطفی (ع)، مدیر گروه تفسیر و علوم قرآن، جامعه الزهراء (ع)
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۶/۱۵	تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۳/۱۰
استاددهی: شاه‌علی، مریم؛ شفیعی دارابی، سیدحسین (۱۴۰۲). «نقد و بررسی چهار شبهه ابن تیمیه پیرامون شأن نزول آیه صادقین»، مطالعات تفسیری آلاء الرحمن، دوره ۲، ش ۵، صفحات ۷۷-۱۰۴.	

۱. مقدمه

در میان آموزه‌های دین مبین اسلام، بحث امامت جایگاهی بس رفیع و خطیر دارد. از این رو، خداوند متعال در قرآن کریم، آیات فراوانی را به تبیین این موضوع و جایگاه والای ائمه‌ی معصومین علیهم‌السلام اختصاص داده است. پیامبر عظیم الشان اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم نیز از همان آغاز رسالت خویش، بر جانشینی امیرالمؤمنین علی علیه‌السلام تأکید ورزیده و تا واپسین لحظات حیات، بر این امر مهم اهتمام داشتند. احادیث و روایات نقل شده از ایشان و ائمه‌ی اطهار علیهم‌السلام نیز گواهیانی روشن بر این مدعا هستند.

در طول قرون متمادی، مفسران و علمای شیعه، به‌ویژه برخی از اصحاب ائمه علیهم‌السلام، با ژرف‌کاوی و تدقیق در آیات قرآن کریم، به شناسایی و تبیین دقیق آیات مرتبط با ولایت و امامت پرداخته‌اند.

در میان آیات نورانی قرآن، آیه‌ی مبارکه‌ی ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَكُونُوا مَعَ الصَّادِقِينَ﴾ (معروف به «آیه‌ی صادقین») از سوره‌ی توبه آیه‌ی ۱۱۹، جایگاه ویژه‌ای دارد. این آیه که دستور به تقوای الهی و همراهی با صادقان را صادر می‌کند، در شأن و نزول خود محل بحث و گفتگو میان مفسران و علمای شیعه و برخی از علمای اهل سنت بوده است. تمامی علمای شیعه بر این باورند که آیه‌ی شریفه در مدح و منزلت امیرالمؤمنین علی علیه‌السلام و ائمه‌ی معصومین علیهم‌السلام نازل شده است؛ (ابن بابویه، ۱۳۹۵: ۱/۲۷۸؛ ابن بطریق، ۱۴۱۷: ۲۳۳؛ ابن طاووس، ۱۴۱۱: ۲۵۹؛ ابن شهر آشوب، بی‌تا: ۴/۱۷۹؛ بحرانی، ۱۴۱۶: ۲/۸۶۵؛ حلی، ۱۹۸۲: ۱۹۰؛ طبرسی، ۱۴۰۳: ۱/۱۴۸؛ مفید، ۱۴۱۴: ۲/۱۳۷؛ طوسی، ۱۴۰۷: ۲۳۷) آنان با استناد به روایات فریقین و ضرورت عصمت صادقین، به اثبات درستی این باور پرداخته‌اند. برخی از علمای اهل سنت نیز همسو با علمای شیعه، نزول این آیه را در شان و منزلت امیرالمؤمنین علی علیه‌السلام دانسته و به آن اذعان کرده‌اند (آلوسی، ۱۴۱۵: ۶/۴۳؛ اخطب خوارزم، ۱۴۱۱: ۲۸۰؛ ابن جوزی، ۱۳۷۶: ۲۵؛ حسکانی، ۱۴۱۱: ۱/۳۴۲؛ حمویی جوینی، ۱۴۰۰: ۱/۳۷۰؛ ثعلبی نیشابوری، ۱۴۲۲: ۵/۱۰۹؛ زرنندی، ۱۳۸۳: ۲۷؛ سیوطی، ۱۴۰۴: ۳/۲۹۰؛ گنجی، ۱۳۶۲: ۲۳۵).

ابن تیمیه حرانی از علمای اهل سنت در قرن هفتم و هشتم هجری قمری و از مخالفان

سرسخت امیرالمؤمنین علیه السلام است و گستاخی را در حق ایشان به جایی می‌رساند که منکر ایمان حضرت می‌شود و می‌گوید: «رافضیان نمی‌توانند، ایمان و عدالت علی علیه السلام را ثابت کنند» (حسینی میلانی، ۱۳۸۸: ۷) و در جای دیگر می‌گوید: «تمام مطالبی که درباره‌ی رشادت‌ها و شهامت‌های او در جنگ‌ها و غزوه‌ها نقل شده، دروغ است (همان). او کتاب «منهاج السنه» را در رد کتاب «منهاج الکرامة فی معرفة الامامة» علامه حلی می‌نویسد و در خلال آن، فضائل قطعی و تردیدناپذیر امیرالمؤمنین علیه السلام را انکار می‌کند، و برای تثبیت دیدگاه نادرست خود و درست جلوه دادن آن، شبهات زیادی را نسبت به مستندات قرآنی علمای شیعه در باب مناقب و فضایل امام علی علیه السلام مطرح می‌سازد. از باب نمونه: وی در نگاشته‌ی مذکور، برای نقد استدلال علامه حلی به آیه‌ی صادقین در جهت اثبات ولایت امیرالمؤمنین علیه السلام به ذکر یازده شبهه پرداخته است.

این پژوهش با هدف بررسی و نقد شبهات ابن تیمیه در مورد نزول آیه‌ی صادقین در شأن و منزلت امیرالمؤمنین علی علیه السلام به روش توصیفی - تحلیلی انجام شده است. در این راستا، ابتدا به تبیین معنای آیه و شأن نزول آن از دیدگاه مفسران و محدثان پرداخته می‌شود. سپس، به طرح و بررسی شبهات ابن تیمیه در مورد این موضوع می‌پردازیم و به ارائه‌ی پاسخ‌های مستدل و مستند به آنها می‌پردازیم.

۱-۱. مفهوم شناسی

الف) واژه صادقین

کلمه‌ی «صادقین»، مأخوذ از ریشه‌ی «صدق» می‌باشد. این واژه، در متون لغوی، به نقیض کذب معنا شده است (فراهیدی، ۱۴۱۰: ۵۶/۵؛ ابن سیده، بی‌تا: ۱۸۹/۶؛ الازهری هروی، ۲۰۰۱: ۲۷۶/۸)، و گفته‌اند: (ص د ق)، اصلی است که بر قوت در چیزی، قول و غیر آن دلالت می‌کند، و «صدق»، خلاف کذب است، به خاطر قوتی که در آن است و در کذب این قوت نیست (ابن فارس، ۱۳۹۹: ۳/۳۳۹). مصطفوی می‌نویسد: «اصل واحد در ماده‌ی صدق، تمامیت و سلامت از خلاف و حق بودن است که به اختلاف موارد متفاوت می‌شود؛ مثلاً: صدق در قول این است که مطابق با مخبر عنه باشد» (مصطفوی، ۱۳۶۰: ۲۶۱/۶). بنابراین صدق در

لغت، به معنای قوت و صلابت و مطابق حق بودن است.

صاحب مجمع البیان نیز با لحاظ معنی «صدق»، چنین نوشته است: «صادق، قائل به حق و عامل به آن است» (طبرسی، ۱۳۷۲: ۵/۱۲۲). علامه طباطبایی رحمته الله علیه هم این گونه نگاشته است: «صدق مطابقت قول و خبر با خارج است و انسان زمانی که خبرش با خارج مطابقت می‌کند، به آن متصف می‌شود و از آن جا که به عزم و اراده و اعتقاد هم به نوعی قول، اطلاق می‌شود، در معنای صدق توسعه داده شده و کسی که عمل او با اعتقاد او مطابقت داشته باشد، را صادق می‌نامند (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۹/۴۰۲). همچنین با توجه به کاربرد صدق در آیات قرآن گفته‌اند: «صادقین در اعتقاد یعنی کسانی که دارای اعتقاد کامل حق هستند و در ایمان و اعتقادشان شکی ندارند و کسانی که اعمالشان نقصی ندارد و مطابق با اعتقادشان است و کسانی که اخلاقشان مطابق اعتقاد حقّه شان است» (حیدری، ۱۴۲۵: ۱۷۳-۱۷۲).

ب) آیه صادقین

مقصود از «آیه صادقین»، آیه ۱۱۹ سوره توبه است؛ که در آن آمده: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَكُونُوا مَعَ الصَّادِقِينَ﴾؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید! از (مخالفت فرمان) خدا بپرهیزید، و با صادقان باشید ﴿

برای فهم ژرف‌تر مفاد آیه ۱۱۹ سوره توبه، لازم است به فضای نزول آن توجه داشته باشیم. این آیه در پی آیه‌ای نازل شده که به سرزنش سه تن از مسلمانان به نام‌های کعب بن مالک، مراره بن ربیع و هلال بن امیه به دلیل سستی و عدم حضور در غزوه تبوک می‌پردازد. این سه نفر پس از بازگشت پیامبر صلی الله علیه و آله از تبوک به مدینه، به نزد ایشان شتافته و عذرخواهی می‌کنند. اما پیامبر صلی الله علیه و آله با آنها سخن نمی‌گوید و به مسلمانان نیز دستور می‌دهد که از صحبت با آنان خودداری کنند. سرانجام، پس از پنجاه روز پشیمانی و تضرع به درگاه الهی، توبه‌ی آنها پذیرفته شده و آیه‌ی مورد بحث نازل می‌شود (مکارم شیرازی و همکاران، ۱۳۷۳: ۸/۱۷۰).

در این آیه، قرآن کریم پس از واقعه‌ای که در آن نفاق و تردید برخی مسلمانان آشکار شد، مؤمنان را به همراهی با صادقان امر می‌فرماید. استفاده از واژه‌های «امر» به معنای دستور اکید و «کونوا» به معنای «باشید» و همچنین «صادقین» که جمع «صادق» به معنای راستگو و درستکار



است، بر معنای عام و فراگیر این دستور تأکید می‌کند. «معیت» در این آیه به معنای مصاحبت در عمل و رفتار است، نه صرفاً هم‌نشینی فیزیکی. از این رو، این دستور به منزله‌ی اتباع و پیروی از صادقین در تمام ابعاد زندگی، اعم از قول و فعل، تلقی می‌شود. تفاوت این دستور با متصف شدن به صفت صدق این است که در آن صورت باید از عبارت «من الصادقین» استفاده می‌شد (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۴۰۲/۹). در روایات شیعه و برخی روایات اهل سنت، مصداق «صادقین» در این آیه، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و اهل بیت علیهم السلام ایشان معرفی شده و بر لزوم پیروی و الگوگیری از ایشان تأکید شده است (ابن بطریق، ۱۴۱۷: ۲۳۳؛ ابن شهر آشوب، بی تا: ۹۲/۳؛ حسکانی، ۱۴۱۱: ۱/۳۴۵؛ قندوزی، ۱۴۲۲: ۳۵۸/۱) در مباحث بعدی به شرح و بسط بیشتر این موضوع خواهیم پرداخت.

۱-۲. پیشینه تحقیق

تبیین مفاد آیه‌ی صادقین، از قرون اولیه تا زمان معاصر در تفاسیر فریقین مورد توجه بوده است؛ علاوه بر متون تفسیری، در کتب کلامی شیعه و اهل سنت نیز به آن پرداخته شده است؛ همین تلاش علمی در دهه‌های اخیر نیز ادامه دارد؛ از باب نمونه از برخی از نگاشته‌های مربوطه یاد می‌شود:

الف) پیشینه عام

اول: نگاشته‌های مستقل

- کتاب «کونوا مع الصادقین» نوشته‌ی سیدمرتضی حسینی شیرازی، (۱۴۳۱ق)، انتشارات موسسه‌ی التقی عراق؛
- مقاله‌ی «آیه‌ی صادقین» تالیف علی ربّانی گلپایگانی، دانشنامه کلام اسلامی، زمستان ۱۳۸۷، شماره‌ی ۱.
- مقاله‌ی «تفسیر تطبیقی آیه «صادقین» در تفاسیر امامیه و زیدیه» نوشته‌ی فاطمه زاهدی و سیدمحمدعلی داعی‌نژاد، مطالعات تطبیقی قرآن و حدیث، پاییز و زمستان ۱۴۰۱، شماره‌ی ۱۹.
- مقاله‌ی «اثبات ضرورت امام معصوم در هر زمان بر اساس آیه صادقین» اثر علی مویدی، مطالعات مهدوی، پاییز ۱۳۹۸، شماره‌ی ۴۵.

دوم: نگاه‌های غیرمستقل

این بخش آثاری بررسی می‌شوند که ضمن پرداختن به امامت و ولایت، آیه‌ی صادقین نیز بررسی شده است:

- کتاب «منهاج الكرامة في معرفة الإمامة» تألیف علامه حلی؛
- کتاب «شواهد التنزیل لقواعد التفضیل في الآيات النازلة في أهل البيت (علیهم السلام)» تألیف عیدالله بن عبدالله حسکانی؛
- کتاب «إحقاق الحق وإزهاق الباطل» تألیف نورالله بن شریف‌الدین شوشتری؛
- کتاب «آیات ولایت در قرآن» تألیف آیت‌الله مکارم شیرازی؛
- کتاب «جواهر الکلام فی معرفة الامامة و الامام» ترجمه کتاب «شرح منهاج الكرامة في معرفة الإمامة» تألیف علی حسینی میلانی؛
- کتاب «الرد علی منهاج السنة لابن تیمیة» تألیف علی حسینی میلانی؛

ب) پیشینه‌ی خاص

کتاب مستقلی درباره‌ی شأن نزول آیه‌ی صادقین نوشته نشده است، اما در مقاله‌ی «بازکاوی مصداق «صادقین» در آیه‌ی «کونوا مع الصادقین» نوشته‌ی کرم سیاوشی، محمدعلی ایزدی، نشریه‌ی مطالعات تفسیری، پاییز ۱۳۹۸، شماره‌ی ۳۹ این موضوع بررسی شده است.

ج) پیشینه‌ی اخص

در خصوص بررسی شبهه‌ی ابن تیمیه پیرامون شأن نزول آیه‌ی صادقین، اثر مستقلی یافت نشد. با این حال، در کتاب «شرح منهاج الكرامة فی معرفة الإمامة» اثر علامه حلی (متوفای ۷۵۴ق) و در «الرد علی منهاج السنة» اثر حسینی میلانی (چاپ ۱۴۲۸ق) به‌طور مختصر به این شبهه پاسخ داده شده است.

در این پژوهش، به نقد و بررسی تحلیلی چهار شبهه‌ی ابن تیمیه در مورد شأن نزول آیه‌ی صادقین پرداخته خواهد شد.

۲. تبیین شأن نزول آیه صادقین

در خصوص شأن نزول آیه‌ی شریفه ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَ كُونُوا مَعَ الصَّادِقِينَ﴾



(توبه: ۱۱۹) میان مفسران شیعه و اهل سنت اختلاف نظر وجود دارد.

۱-۲. دیدگاه شیعه

شیعه اتفاق نظر دارد، آیه‌ی صادقین در شأن امیرالمؤمنین علی علیه السلام و اولاد معصومین او نازل شده است (ابن بابویه، ۱۳۹۵: ۱/۲۷۸؛ ابن بطریق، ۱۴۱۷: ۲۳۳؛ ابن طاووس، ۱۴۱۱: ۲۵۹؛ ابن شهر آشوب، بی تا: ۴/۱۷۹؛ بحرانی، ۱۴۱۶: ۲/۸۶۵؛ حلی، ۱۹۸۲: ۱۹۰؛ طبرسی، ۱۴۰۳: ۱/۴۸؛ مفید، ۱۴۱۴: ۲/۱۳۷؛ طوسی، ۱۴۰۷: ۲۳۷) برخی از علمای شیعه با استناد به روایات و برخی با استدلال، این موضوع را اثبات کرده‌اند.

الف) بررسی روایات

روایات وارده در مورد مراد از صادقین در آیه‌ی مورد بحث، به چند صورت است؛ و در آن‌ها از مصادیق ذیل یاد گردیده است:

- حضرت محمد صلی الله علیه و آله و آتش علیه السلام؛ (ابن بطریق، ۱۴۱۷: ۲۳۳؛ ابن شهر آشوب، بی تا: ۳/۹۲)؛
 - رسول اکرم صلی الله علیه و آله و امام علی علیه السلام؛ (ابن شهر آشوب، بی تا: ۴/۱۷۹)؛
 - علی علیه السلام؛ (ابن بطریق، ۱۴۱۷: ۲۳۳)؛
 - علی علیه السلام و اصحابش؛ (ابن طاووس، ۱۴۱۱: ۲۶۰)؛
 - اهل بیت علیهم السلام (ابن شهر آشوب، بی تا: ۴/۱۷۹)؛
- بنابراین بر اساس روایات از نظر شیعه، آیه در شأن امیرالمؤمنین و ائمه‌ی معصومین علیهم السلام نازل شده است.

ب) استدلال علمای شیعه

علمای شیعه با تکیه بر روایات و نیز استدلال‌های عقلی، عصمت امامان معصوم، علی‌الخصوص حضرت علی علیه السلام را اثبات می‌کنند. آیه‌ی مورد بحث، بر عصمت صادقین (امامان ششگانه‌ی شیعه) دلالت دارد. از آنجا که هیچ‌یک از علمای شیعه، قائل به عصمت هیچ‌یک از صحابه پیامبر صلی الله علیه و آله به جز حضرت علی علیه السلام نیستند، لذا این آیه ناظر به ایشان بوده و عصمت ایشان را تأیید می‌کند.

شیخ مفید در شرح آیه‌ای که مؤمنان را به پیروی از صادقین و همراهی با آنان در امور دین

دعوت می‌کند، بیان می‌دارد که این آیه در شأن امام علی علیه السلام نازل شده است. ایشان استدلال می‌کنند که از آنجا که دعوت به همراهی با خود انسان محال است، منادی در این آیه نمی‌تواند خداوند متعال باشد، بلکه به شخصی غیر از او اشاره دارد. همچنین، با توجه به اینکه دعوت به همراهی با همه صادقین یا بعضی از آنان صورت گرفته، و اطلاق «صادقین» به همه امت صحیح نیست، گروهی خاص از مؤمنان به عنوان صادقین مورد نظر در این آیه مطرح می‌شوند. شیخ مفید در ادامه، برای تعیین این گروه خاص، بر ضرورت وجود نص تأکید می‌کند و اظهار می‌دارد که بدون اتکا به نص، تشخیص صادقین واقعی از دیگران امکان‌پذیر نیست و این امر موجب اشتباه و تکلیف ما لایطاق می‌شود.

در کلام الاهی، در وصف صادقان و پارسایان آمده است: «نیکوکاری آن نیست که رو به سوی مشرق یا مغرب کنید؛ بلکه نیکوکار کسی است که به خدا و روز آخرت و فرشتگان و کتاب و پیامبران ایمان آورد و مال خود را با وجود علاقه‌ای که به آن دارد به خویشاوندان و یتیمان و مسکینان و در راه ماندگان و گداها و آزادسازی بردگان انفاق کند؛ و نماز را برپا دارد و زکات را پردازد؛ و به عهد خود وفا کند و در سختی‌ها و بیماری‌ها و هنگام جنگ صبر پیشه کند. اینان کسانی هستند که راستگویند و اینان پرهیزکاران اند» (بقره: ۱۷۷).

هیچ یک از یاران پیامبر صلی الله علیه و آله به جز امیرالمؤمنین علی علیه السلام از این ویژگی‌های برجسته برخوردار نبودند. این امر را اخبار متواتر نیز تأیید می‌کنند (مفید، ۱۴۱۴: ۱۳۷/۲؛ ۴۷/۶).

علامه قوشچی با استناد به آیه‌ی کریمه، معتقد است که خداوند متعال در این آیه، مسلمانان را به پیروی از معصومین امر کرده است. از آنجا که صادقین همان معصومین هستند و همه بر عصمت نداشتن سایر صحابه به جز علی علیه السلام اتفاق نظر دارند، می‌توان نتیجه گرفت که منظور از «کسی که امر به پیروی از او شده است» علی علیه السلام می‌باشد.

مقدمه اول: امر به پیروی، مستلزم امر به پیروی از معصوم است. زیرا امر به پیروی از غیر معصوم قبیح و ناپسند بوده و از خداوند متعال صادر نمی‌شود؛

مقدمه دوم: اگر کسی قائل به عصمت غیر از علی علیه السلام از میان یاران پیامبر صلی الله علیه و آله باشد، بدون دلیل و از روی جهل سخن گفته است. چرا که هیچ‌کس تاکنون عصمت فرد دیگری به جز

علی علیه السلام را از میان آن سه نفر اثبات نکرده است؛

مقدمه سوم: برای پیروی از صادقین، لازم است که به صداقت آنها علم داشته باشیم. علم به صداقت آنها نیز منوط به علم به عصمتشان و علم به عصمتشان نیز در واقع و نفس الامر، به عصمتشان در تمام گفتار و کردارشان وابسته است؛ بنابراین، صادقینی که مأمور به پیروی از آنها شده‌ایم، همان معصومین علیهم السلام هستند (شوشتری، ۱۴۰۹: ۳/۳۰۱).

۲-۲. دیدگاه اهل سنت

برخی از علمای اهل سنت با استناد به روایات متعدد، چندین شان نزول را برای آیه ذکر می‌کنند.

الف) گروه اول: این گروه معتقدند که آیه در شأن و منزلت امیرالمؤمنین علی علیه السلام نازل شده است (آلوسی، ۱۴۱۵: ۶/۴۳؛ اخطب خوارزم، ۱۴۱۱: ۲۸۰؛ ابن جوزی، ۱۳۷۶: ۲۵؛ حسکانی، ۱۴۱۱: ۱/۳۴۲؛ حموی جوینی، ۱۴۰۰: ۱/۳۷۰؛ ثعلبی نیشابوری، ۱۴۲۲: ۵/۱۰۹؛ زرندی، ۱۳۸۳: ۲۷؛ سیوطی، ۱۴۰۴: ۳/۲۹۰؛ گنجی، ۱۳۶۲: ۲۳۵).

ب) گروهی گفته‌اند: منظور از صادقین در آیهی مورد بحث، رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم و اصحابش هستند (آلوسی، ۱۴۱۵: ۶/۴۳؛ ابن ابی حاتم، ۱۴۱۹: ۶/۱۹۰۷؛ ابن عطیه اندلسی، ۱۴۲۲: ۳/۹۵؛ ابن قیم جوزیه، ۱۴۱۵: ۱۴۹؛ ابن جوزی، ۱۴۲۲: ۲/۳۰۸؛ ثعلبی نیشابوری، ۱۴۲۲: ۵/۱۰۸؛ سفارینی، ۱۴۱۱: ۲/۳۸۴؛ سیوطی، ۱۴۰۴: ۳/۲۸۹؛ طبری، ۱۴۱۲: ۱۱/۴۶؛ فخرالدین رازی، ۱۴۲۰: ۱۶/۱۶۶).

ج) گروهی گفته‌اند: آیه در شأن سه نفر متخلف از جنگ تبوک، نازل شده است (آلوسی، ۱۴۱۵: ۶/۴۳؛ ابن ابی حاتم، ۱۴۱۹: ۶/۱۹۰۷-۱۹۰۶؛ ابن جوزی، ۱۴۲۲: ۲/۳۰۸؛ بیضاوی، ۱۴۱۸: ۳/۱۰۱؛ سیوطی، ۱۴۰۴: ۳/۲۸۹؛ طبری، ۱۴۱۲: ۱۱/۴۶).

د) گروهی گفته‌اند: در شأن مهاجرین نازل شده است (اسفراینی، بی تا: ۱۷؛ ابن جوزی، ۱۴۲۲: ۲/۳۰۸؛ طبری، ۱۴۱۲: ۱۱/۴۶).

هـ) گروهی گفته‌اند: در شأن ابوبکر و عمر نازل شده است (آلوسی، ۱۴۱۵: ۶/۴۳؛ ابن ابی حاتم، ۱۴۱۹: ۶/۱۹۰۷-۱۹۰۶؛ ابن کثیر دمشقی، ۱۴۱۹: ۴/۲۰۵؛ ابن جوزی، ۱۴۲۲: ۲/۱۷).

۳۰۸؛ ثعلبی نیشابوری، ۱۴۲۲/۵/۱۰۸؛ سیوطی، ۱۴۰۴/۳/۲۸۹؛ سمرقندی، بی تا: ۹۷/۲؛ طبری، ۱۴۱۲/۱۱/۴۶). (برای بررسی بیشتر روایات اهل سنت به کتاب «جواهر الکلام فی معرفة الامامة و الامام» جلد ۵، ص ۱۳۱ تا ۱۳۹ و ۱۵۰ تا ۱۵۱ رجوع شود).

۳. تبیین و نقد چهار شبهه ابن تیمیه در مورد شان نزول آیه صادقین

علامه حلی (متوفای ۷۲۶ق) در کتاب «منهاج الکرامه»، از «آیهی صادقین»، به عنوان یکی از آیات دال بر فضیلت، برتری و شایستگی امیرالمؤمنین علیه السلام برای امامت امت یاد نموده، و از مضمون این آیه و شان نزول آن، در این راستا بهره جسته است (حلی، ۱۳۷۹: ۱۴۲). اما احمد بن عبدالحلیم، معروف به «ابن تیمیه حرّانی» (۶۶۱-۷۲۸ق) عالم سنی حنفی مسلک و عنود نسبت به اهل بیت علیهم السلام و شیعیان، در کتاب «منهاج السنه»، به نقد دیدگاه و استدلال علامه حلی در جهت یاد شده پرداخت؛ و در این راستا یازده شبهه را طراحی نموده است؛ که چهار شبهه‌ی وی ناظر به نفی ارتباط بین شأن نزول «آیهی صادقین» با ولایت و امامت آن بزرگوار می باشد (ابن تیمیه حرّانی، ۱۴۰۶/۷/۲۶۶-۲۶۷). در ادامه‌ی این مقاله، به طرح همین دسته از شبهات و پاسخ به آنها بسنده خواهیم کرد:

۳-۱. تبیین شبهات چهارگانه ابن تیمیه

الف) شبهه‌ی اول ابن تیمیه

صدیق به معنای راستگو و صادق است و هر کس که صدیق باشد، لاجرم راستگو نیز خواهد بود. با ادله‌ی فراوان ثابت شده است که ابوبکر «صدیق» واقعی است و شایستگی آن را دارد که آیه‌ی قرآن در مورد او تفسیر شود، بیشتر از سایر صحابه. نویسنده برای اثبات این مدعا چنین استدلال می کند: دو حالت وجود دارد: حالت اول: علی علیه السلام صدیق است. حالت دوم: علی علیه السلام صدیق نیست.

حالت اول: اگر علی علیه السلام صدیق باشد، عمر و عثمان نیز صدیق هستند. در این صورت، صداقت و راستگویی منحصر به علی علیه السلام نخواهد بود و همراهی با هر کدام از این چهار نفر، بدون در نظر گرفتن سه نفر دیگر، کفایت می کند.

اما اگر بین این چهار نفر در امری اختلاف نظر پیش بیاید، همراهی با سه نفر از آنها بر



همراهی با یک نفر ارجحیت دارد، چرا که تعدادشان بیشتر است و در صداقت نیز کامل‌تر هستند.

حالت دوم: اگر علی علیه السلام صدیق نباشد، ابوبکر صدیق است. در این صورت، همراهی با ابوبکر صدیق که یقیناً راستگو است، بر همراهی با کسی که صدیق بودن او مورد تردید است، اولویت دارد.

نتیجه: بنابراین، در هر دو حالت، ابوبکر صدیق واقعی است و آیهی قرآن در مورد او صدق می‌کند. این موضوع با عقیده‌ی شیعیان که معتقدند علی علیه السلام تنها صدیق واقعی است، مغایرت دارد (ابن تیمیه حرانی، ۱۴۰۶: ۷/۲۶۶-۲۶۷).

ب) شبهه‌ی دوم ابن تیمیه

در ارتباط با قصه‌ی تعلق کعب بن مالک و همراهانش در شرکت در غزوه‌ی تبوک، آیاتی در قرآن کریم نازل شده است. با توجه به سیاق و محتوای این آیات، و همچنین شواهد تاریخی، اختصاص این آیات به علی علیه السلام فاقد اعتبار و مردود است (ابن تیمیه حرانی، ۱۴۰۶: ۷/۲۶۶-۲۶۷).

ج) شبهه‌ی سوم ابن تیمیه

خداوند فرمود: ﴿مَعَ الصَّادِقِينَ﴾؛ تعبیر «صادقین»، جمع است، در حالی که علی علیه السلام یک نفر است؛ پس او به تنهایی مراد نیست (ابن تیمیه حرانی، ۱۴۰۶: ۷/۲۶۶-۲۶۷).

د) شبهه‌ی چهارم ابن تیمیه

ابن تیمیه در تفسیر آیه‌ی «صادقین» دو احتمال را مطرح می‌کند:

اول: صدق در همه‌ی امور: خداوند در این آیه می‌خواهد بفرماید که در تمام امور زندگی، مانند افراد راستگو، صادق باشید و از دروغگویی پرهیز کنید. این تفسیر مشابه آیه ﴿وَأَزْكُوا مَعَ الرَّاٰكِبِينَ﴾ (بقره: ۴۳) است که به مسلمانان دستور می‌دهد با رکوع کنندگان رکوع کنند.

دوم: همراهی با افراد صادق: ممکن است منظور آیه این باشد که در همه‌ی امور، حتی اموری که به صداقت ارتباطی ندارند، با افراد راستگو همراه باشید.

ابن تیمیه تفسیر دوم را مردود می‌شمارد، زیرا انسان در همه‌ی امور، مانند خوردن و نوشیدن و

پوشیدن، ملزم به همراهی با افراد صادق نیست. بنابراین، به نظر ابن تیمیه، آیهی «صادقین» دستور به همراهی با افراد خاصی را نمی‌دهد، بلکه بر صداقت و راستگویی در تمام امور زندگی تأکید می‌کند (ابن تیمیه، ۱۴۰۶: ۲۶۷/۷).

۲-۳. هدف از طرح شبهات یاد شده

ابن تیمیه در مقدمه کتاب «منهاج السنه» انگیزه‌ی نگارش آن را نقد کتاب «منهاج الکرامه فی معرفه الإمامه» اثر علامه حلی، از علمای شیعه، بیان می‌کند. علامه حلی این کتاب را به منظور دعوت سلطان محمد خدابنده (چهارمین پادشاه صفوی) و مردم آن زمان به مذهب تشیع نوشته بود. ابن تیمیه در مقابل، «منهاج السنه» را برای مقابله با اندیشه‌های شیعیان (که آن‌ها را «رافضی») می‌خواند و جاهل و خارج از دین قلمداد می‌کند (نگاشته است. او در این کتاب با اتکا به دلایل عقلی و نقلی به ردّ آراء علمای شیعه می‌پردازد (ابن تیمیه، ۱۴۰۶: ۱/۴-۱۰). همان‌طور که اشاره شد، بخشی از نقدهای ابن تیمیه (ابن تیمیه، ۱۴۰۶: ۲۶۶/۷) متوجه استدلال علامه حلی به آیهی «صادقین» برای اثبات فضیلت و امامت علی علیه السلام در امر خلافت امت اسلامی است (حلی، ۱۳۷۹: ۲۱۶).

۲-۳. پیشینه شبهات

برخی از علمای اهل سنت با استناد به روایاتی، معتقدند که آیهی شریفه در شأن ابوبکر، عمر و اصحاب پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم نازل شده است. در خصوص این تفسیر، شبهات متعددی مطرح شده است. شبهه‌ی اول این است که خود ابوبکر اولین کسی بوده که مدعی نزول این آیه در شان خود و مهاجرین شده است. ماجرا از این قرار است که پس از رحلت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم، بین انصار و مهاجرین بر سر جانشینی ایشان اختلاف افتاد. در این میان، ابوبکر بر منبر رفت و این آیه را خواند: ﴿لِلْفُقَرَاءِ الْمُهَاجِرِينَ الَّذِينَ أُخْرِجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ وَأَمْوَالِهِمْ يُبْتَغُونَ فِضْلًا مِنَ اللَّهِ وَرِضْوَانًا وَيَنْصُرُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ أُولَئِكَ هُمُ الصَّادِقُونَ﴾ (حشر: ۸) و گفت: «خداوند ما را صادقین نامید و سپس مؤمنان را امر به همراهی با صادقین کرد: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَكُونُوا مَعَ الصَّادِقِينَ﴾ و برای آن‌ها روایت کرد که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: «الأئمة من قریش» و آن‌ها ابوبکر را تصدیق کردند و اختلاف به برکت صدیق از بین رفت (ابن عربی، ۱۴۱۹: ۴۴؛ اسفراینی، بی‌تا:

۱۸؛ قرطبی، ۱۳۶۴: ۸/۲۸۸).

سابقه‌ی طرح شبهه

طرح این شبهه که امامت بعد از پیامبر ﷺ به جانشینی ایشان نیست، سابقه‌ای دیرینه دارد و پیش از ابن تیمیه توسط برخی از علمای اهل سنت مطرح شده است.

- ابی‌المظفر شاهفورین طاهر اسفراینی (متوفای ۴۷۱ق) ملقب به برهان‌المتکلمان در کتاب «التبصیر فی الدین وتمییز الفرقة الناجية عن الفرق الهالکین»، صفحه ۱۸ این شبهه را مطرح کرده است.

- قاضی محمدبن عبدالله ابوبکر بن العربی المعافری الإشبیلی المالکی (متوفای ۵۴۳ق) نیز در کتاب «العواصم من القواصم فی تحقیق مواقف الصحابة بعد وفاة النبی ﷺ»، صفحه‌ی ۴۴ به این شبهه پرداخته است.

- العاصمی الحنبلی در کتاب خود و شمس‌الدین ذهبی نیز این شبهه را نقل کرده‌اند.

بررسی شبهه

در مورد نزول آیه‌ای که به کعب بن مالک اشاره دارد و در این شبهه از آن استفاده شده، در بحث قبلی به تفصیل توضیح داده شد که بسیاری از علمای اهل سنت، چه پیش از ابن تیمیه و چه بعد از آن، آن را دلیلی بر نفی امامت پس از پیامبر ﷺ نمی‌دانند.

اما در مورد شبهه دوم، مبنی بر اینکه «صادقین» در آیه‌ی تطهیر جمع هستند، به جز ابن تیمیه، فرد دیگری آن را مطرح نکرده است.

شایان ذکر است که مشابه این شبهه در مورد آیات دیگر امامت، مانند «آیه اولی الامر»، مطرح شده است که در جای خود به آن‌ها نیز پاسخ داده خواهد شد.

۳-۴. نقد شبهات ابن تیمیه

پس از طرح اجمالی شبهات چهارگانه ابن تیمیه، اکنون به‌طور فشرده به نقد آن‌ها پرداخته می‌شود.

۱-۴-۳. نقدهای متنوع از شبهه اول (نزول آیه صادقین در شأن ابوبکر)

الف) نقد اجمالی از شبهه اول

استدلال‌های ابن تیمیه در اثبات نزول آیه صادقین در مورد ابوبکر، فاقد اعتبار و بی‌اساس است. او مدعی می‌شود که با ادله‌ی فراوان، صدیق بودن ابوبکر را اثبات کرده است، اما هیچ‌کدام از این مدارک را ارائه نمی‌دهد. همچنین بدون هیچ دلیلی، صدیق بودن عمر و عثمان را در صورت صدیق بودن علی علیه السلام مطرح می‌کند و بدون هیچ پشتوانه‌ای، مدعی می‌شود که آن سه نفر از علی علیه السلام در صداقت کامل تر هستند.

ب) چهار نقد تحلیلی تفصیلی

نقد اول: در منابع اهل سنت، روایاتی متعددی در مورد لقب صدیق بودن ابوبکر نقل شده است. با این حال، این روایات از جهات گوناگون قابل نقد و بررسی هستند:

۱. ضعف سند

بسیاری از این روایات از نظر سندی ضعیف بوده و نزد علمای شیعه مورد قبول نیستند. اسناد این روایات شامل روایان ناشناخته، متهم به دروغ‌گویی یا جاعل، و یا دارای سلسله سند ناقص و گسسته هستند.

۲. جعلی بودن

برخی از روایات مربوط به صدیق بودن ابوبکر، بر اساس مبانی رجالی اهل سنت نیز جعلی و ساختگی محسوب می‌شوند. این روایات در کتاب‌هایی مانند «الموضوعات» و «اللاالی المصنوعة» گردآوری شده‌اند. عالمان برجسته‌ی اهل سنت مانند ذهبی در کتاب «میزان الاعتدال» و ابن حجر عسقلانی در «لسان المیزان» صحت این روایات را رد کرده و بر جعلی بودن آنها تأکید کرده‌اند (حسینی میلانی، ۱۳۸۹: ۵/۱۵۰؛ حسینی میلانی، ۱۴۲۸: ۲/۱۲۳-۱۲۲).

نقد دوم: بر طبق روایات موثق و صحیحی که از سوی دانشمندان شیعه و اهل سنت در وصف امیرالمؤمنین، علی علیه السلام نقل شده است، آن حضرت به لقب‌های پُر افتخار «الصدیق» و «الصدیق الأكبر» ملقب گردیده‌اند. برای اثبات این مدعا، به ذکر دو نمونه از این روایات بسنده می‌کنیم:



روایت اول: امیرالمؤمنین علی علیه السلام می فرمایند: «من بنده خدا و برادر رسول او هستم و من بزرگ‌ترین صدیق (یار و دوست) او هستم. هر کس بعد از من این صفات را به خود نسبت دهد، دروغگویی افترا زنده خواهد بود» حضرت با این صراحت آشکارا بیان می فرمایند که جز فردی دروغگو و اهل افترا، کسی این اوصاف را به خود نسبت نخواهد داد.

نکته قابل توجه: این روایت با سندی صحیح در سنن ابن ماجه و خصائص نسائی نقل شده است. همچنین طبری، ابن اثیر و ابن کثیر در تاریخ‌های خود به آن اشاره کرده‌اند (حسینی میلانی، ۱۳۸۹: ۱۲۵/۲).

روایت دوم: علاوه بر این، ابن مردویه اصفهانی در کتاب «مناقب علی بن ابی طالب» و مفسران بزرگی چون فخر رازی، آلوسی، ابوحنیفان و جلال‌الدین سیوطی در تفاسیر خود، و همچنین متقی هندی در «کنز العمال» و مناوی در «فیض القدر» و دیگر علماء، روایتی از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نقل کرده‌اند که در آن ایشان می فرمایند: «صدیقون ثلاثة: حبيب النجار مؤمن آل باسین، وحزبیل مؤمن آل فرعون، وعلی بن ابی طالب الثالث، وهو افضلهم؛ صدیقان سه نفرند حبیب نجار که مؤمن آل یس است و حزبیل که مؤمن آل فرعون است و علی بن ابی طالب علیه السلام که افضل ایشان است.

نکته قابل تأمل: جلال‌الدین سیوطی، مفسر اهل سنت، در کتاب «الدر المنثور» و همچنین قندوزی حنفی در «ینابیع الموده»، روایتی مشابه را با اندکی تفاوت از کتاب تاریخ بخاری نقل می‌کنند. با این حال، بررسی نسخه‌های مختلف تاریخ صغیر و کبیر بخاری نشان می‌دهد که این روایت در هیچ یک از آنها وجود ندارد. این امر، نمایانگر یکی دیگر از ستم‌هایی است که دشمنان امیرالمؤمنین علی علیه السلام در حق ایشان روا داشته و کوشیده‌اند فضائل بی حد و حصر آن حضرت را از انظار مردم دور نگاه دارند. غافل از اینکه پیش از آنان، برخی از علمای خودشان نیز به این روایت اشاره کرده و آن را نقل کرده‌اند (عبدالملکی و فرمانیان آرانی، ۱۳۹۲: ۸۶).

نقد سوم: صدیق بودن با سبقت در اسلام گره خورده است، به همین دلیل سیوطی در تفسیر آیات ۲۸ و ۲۹ سوره مبارکه‌ی یس پیش از نقل حدیث مربوط به «صدیقان» احادیث مربوط به معرفی «السابقون» را مطرح ساخته است. همین‌طور احادیث دیگری را در این قسمت نقل کرده

است که براساس آن‌ها، عدم کفر به خداوند نیز با سبقت و صدیق بودن پیوند دارد. به عبارت دیگر، صدیق حقیقی کسی است که در هیچ لحظه‌ای از زندگی خویش به خدا کفر نورزیده باشد. تنها کسی که در امت رسول خدا ﷺ چنین ویژگی‌هایی دارد، امیرالمؤمنین (علیه السلام) است، در حالی که ابوبکر بیشتر عمر خود را در کفر به سر برده و اظهار اسلام وی نیز پس از پنجاه نفر بوده است.

سیوطی در کتاب به نقل از طبرانی و ابن مردویه، از ابن عباس حدیثی نقل می‌کند که بر اساس آن پیامبر اکرم ﷺ فرمودند: «پیشگامان سه نفرند: پیشگام به دعوت موسی یوشع بن نون، و پیشگام به دعوت عیسی صاحب یس، و پیشگام به دعوت محمد ﷺ، علی بن ابی طالب است» سپس از ابن عدی و ابن عساکر نقل می‌کند که: «سه نفر هرگز به خدا کفر نورزیدند: مؤمن آل یاسین، علی بن ابی طالب (علیه السلام) و آسیه همسر فرعون».

سیوطی بلافاصله پس از نقل حدیث مذکور، از بخاری نقل می‌کند که ابن عباس روایت کرده است که پیامبر اکرم ﷺ فرمودند: «صدق پیشگان سه نفرند: حزقیل مؤمن آل فرعون، و حبیب نجار صاحب آل یاسین، و علی بن ابی طالب» (سیوطی، ۱۴۰۴: ۵/۳۶۲).

این ترتیب به روشنی نشان می‌دهد که از نظر سیوطی، میان عدم کفر به خدا، سبقت در ایمان و صدیق بودن، پیوندی ناگسسته برقرار است، چنان‌که حلبی یکی از اندیشمندان سنی، در «سیره الحلبیة» به این نکته تصریح کرده است. وی به نقل از «إمتاع الاسماع» می‌نویسد: «وَأَمَّا عَلِيُّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ فَلَمْ يَكُنْ مُشْرِكًا بِاللَّهِ أَبَدًا، لِأَنَّهُ كَانَ مَعَ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ فِي كِفَالَتِهِ كَأَحَدِ أَوْلَادِهِ، يَتَّبِعُهُ فِي جَمِيعِ أُمُورِهِ، فَلَمْ يَحْتَجَّ أَنْ يَدْعَى لِلْإِسْلَامِ، فَيُقَالُ أَسْلَمَ؛ أَمَا عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ ﷺ هَرَّكَ بِهِ خُذًا شَرَكًا نُوْرزِيْدَهُ اسْت، چْرَا كَهْ اُوْ هَمِيْشَهْ هَمچُون يَكِيْ اَز فَرْزَنْدَانِ اِيْشَانْ هَمْرَاهْ رَسُوْلْ خُذًا ﷺ وَ تَحْتْ كِفَالَتِ اِيْشَانْ بُوْدَه اسْت وَ دَرْ هَمَهِيْ اُمُوْر اَز اِيْشَانْ تَبْعِيْتْ كَرْدَه اسْت. پَسْ اَحْتِيْاجِيْ نِيْسْتْ كَهْ بَرَايْ اِسْلَامْ اُوْرْدَنْ اَدْعَا كَنْدْ، تَا كَفْتَهْ شُوْدْ اُوْ اِسْلَامْ اُوْرْدَه اسْت (حَسِيْنِيْ مِيْلَانِيْ، ۱۳۸۹: ۱۴۸/۶-۱۴۷).

نکته‌ی تکمیلی نقد سوم: در روز سقیفه، ابوبکر با استدلال به آیه‌ی ۸ سوره‌ی حشر ﴿لِلْفُقَرَاءِ الْمُهَاجِرِينَ الَّذِينَ أُخْرِجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ وَأَمْوَالِهِمْ يُبْتَغُونَ فَرَضًا مِنَ اللَّهِ وَرِضْوَانًا وَيَنْصُرُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ أُولَئِكَ هُمُ الصَّادِقُونَ﴾ خود را مصداق صادقین معرفی کرد. اما در آیه‌ی

شریفه‌ی ۱۷۷ سورہی بقرہ، خداوند متعال، اوصاف صادقین را بیان می‌کند ﴿لَيْسَ الْبِرَّ أَنْ تُوَلُّوا وُجُوهَكُمْ قِبَلَ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ وَ لَكِنَّ الْبِرَّ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَ الْيَوْمِ الْآخِرِ وَ الْمَلَائِكَةِ وَ الْكِتَابِ وَ النَّبِيِّينَ وَ آتَى الْمَالَ عَلَى حُبِّهِ ذَوِي الْقُرْبَى وَ الْيَتَامَى وَ الْمَسَاكِينِ وَ ابْنِ السَّبِيلِ وَ السَّائِلِينَ وَ فِي الرِّقَابِ وَ أَقَامَ الصَّلَاةَ وَ آتَى الزَّكَاةَ وَ الْمُؤْفُونَ بِعَهْدِهِمْ إِذَا عَاهَدُوا وَ الصَّابِرِينَ فِي الْبَأْسَاءِ وَ الضَّرَّاءِ وَ حِينَ الْبَأْسِ أُولَئِكَ الَّذِينَ صَدَقُوا وَ أُولَئِكَ هُمُ الْمُتَّقُونَ﴾ (بقره: ۱۷۷) و از اوصاف آن‌ها ﴿وَ الصَّابِرِينَ فِي الْبَأْسَاءِ وَ الضَّرَّاءِ وَ حِينَ الْبَأْسِ﴾ بیان می‌کند؛ در حالی که طبری مفسر اهل سنت، ذیل آیه‌ی ﴿إِلَّا تَنْصُرُوهُ فَقَدْ نَصَرَهُ اللَّهُ إِذْ أَخْرَجَهُ الَّذِينَ كَفَرُوا ثَانِيًا إِذْ هُمَا فِي الْعَارِ إِذْ يَقُولُ لِصَاحِبِهِ لَا تَخْزَنْ إِنَّ اللَّهَ مَعَنَا﴾ (توبه: ۴۰) گوید: «ابوبکر در حادثه‌ی غار همراه پیامبر ﷺ بوده است و در آن‌جا از هجوم مشرکان به غار می‌هراسد (طبری، ۱۴۱۲: ۹۵/۱۰) و خداوند او را به سبب این ترس سرزنش می‌کند. پس چگونه او مصداق صابرین و صادقین می‌تواند باشد.

نقد چهارم: آیه‌ی شریفه صادقین یکی از ادله‌ی مهم شیعه برای اثبات عصمت امامان معصوم علیهم‌السلام به شمار می‌رود. در این آیه، خداوند متعال مؤمنان را به‌طور مطلق امر به پیروی از صادقین می‌کند. مفسران شیعه از جمله ابن‌شهر آشوب و فخر رازی از این آیه برای اثبات عصمت امامان چنین استدلال می‌کنند:

اول: استدلال ابن‌شهر آشوب

امر به پیروی از کسی که امکان دارد مرتکب گناه یا اشتباه شود، قبیح و ناپسند است؛ خداوند متعال در آیه صادقین مؤمنان را به‌طور مطلق به پیروی از صادقین امر می‌کند؛ از این دو مقدمه، نتیجه گرفته می‌شود که صادقین، معصوم و از هرگونه گناه و اشتباه مصون هستند (ابن‌شهر آشوب، بی‌تا: ۲۴۷/۱).

دوم: استدلال فخر رازی

خداوند متعال در آیه صادقین، مؤمنان را به رعایت تقوای الاهی امر می‌کند؛ تقوای الاهی، پرهیز از گناه و اشتباه است؛ امر به تقوای الاهی برای کسانی است که امکان گناه و اشتباه دارند؛ اگر صادقین معصوم نباشند، پیروی از آنها فایده‌ای در تقوای الاهی نخواهد داشت، زیرا خود آنها نیز در معرض گناه و اشتباه هستند؛ بنابراین، صادقین، باید معصوم باشند تا بتوانند الگوی

صحیحی برای تقوای الاهی باشند.

علاوه بر این، فخر رازی از آیهی صادقین، برای اثبات وجود امام معصوم در هر زمان استفاده می‌کند. او معتقد است که اگر در هر زمان، یک امام معصوم وجود نداشته باشد، پیروی از صادقین معنایی نخواهد داشت، زیرا ممکن است صادقین از نسل‌های گذشته باشند و در دسترس مؤمنان زمان حال نباشند (فخرالدین رازی، ۱۴۲۰: ۱۶/۱۶۷).

همان‌طور که پیش‌تر گفته شد، در مورد هیچ‌یک از صحابه به جز امیرالمؤمنین علی علیه السلام ادعای عصمت نشده است. بنابراین، این آیه شأن و منزلت ایشان را بیان می‌کند. همچنین، لفظ صادقین در آیه جمع است و همان‌طور که فخر رازی در استدلال خود آورده، در هر دوره و عصری باید یک معصوم وجود داشته باشد. اگر این آیه را ناظر بر ابوبکر بدانیم، تکلیف مردم در سایر زمان‌ها برای پیروی از چه کسی مشخص نمی‌شود؟

نکته پایانی: تناقضی در آراء ابن تیمیه دیده می‌شود. او در برخی از سخنانش آیهی صادقین را به نزول در شأن ابوبکر ربط می‌دهد، در حالی که در روایتی دیگر، کعب بن زهیر را مخاطب این آیه می‌داند. این تناقض نیازمند بررسی و واکاوی بیشتر است تا مشخص شود که دیدگاه نهایی ابن تیمیه در این خصوص چه بوده است.

۲-۴-۳. نقد شبهه‌ی دوم ابن تیمیه (نزول آیه در قصه کعب در غزوه تبوک)

ادعای ابن تیمیه مبنی بر نزول آیهی صادقین در شأن «کعب بن مالک» از جهات مختلف قابل نقد و رد است:

اول: تناقض با سیاق و دلالت آیات قبل و بعد: همان‌طور که فخر رازی اشاره می‌کند، آیهی قبل از صادقین به تخلف کعب بن مالک و دو نفر دیگر در غزوه‌ی تبوک و سپس توبه‌ی آن‌ها می‌پردازد. اما آیهی صادقین مؤمنان را از پیروی از کسانی که در غزوات تخلف کرده‌اند و مانند منافقین در خانه نشستند، نهی می‌کند. این تناقض، نزول آیه در شأن کعب را زیر سوال می‌برد (فخرالدین رازی، ۱۴۲۰: ۱۶/۱۶۷).

دوم: تناقض با روایات: روایاتی که ابن تیمیه برای اثبات نظر خود مبنی بر نزول آیه در شأن کعب بن مالک نقل می‌کند، همگی از منابع اهل سنت هستند و از نظر شیعه قابل استناد نیستند.



سوم: ضعف سندی: علاوه بر این، سند این روایات ضعیف بوده و توانایی مقابله با روایات صحیح و موثق که نزول آیه را در شأن امیرالمؤمنین علی علیه السلام اثبات می‌کنند، را ندارد.

چهارم: تناقض با عصمت: همان‌طور که در متن اشاره شده، آیه‌ی صادقین بر عصمت افراد مورد خطاب دلالت دارد. برخی از علمای اهل سنت، مانند فخر رازی، نیز به این امر اذعان کرده‌اند. با این حال، هیچ‌یک از علمای اهل سنت قائل به عصمت کعب بن مالک نیستند. این تناقض، بطلان ادعای ابن تیمیه را آشکار می‌کند (حسینی میلانی، ۱۳۸۹: ۱۵۰/۵-۱۵۱).

۲-۴-۳. نقد شبهه سوم ابن تیمیه (جمع بودن لفظ «صادقین»)

ابن تیمیه با استناد به جمع بودن لفظ «صادقین» در آیه‌ی مورد بحث، نزول این آیه در شأن امیرالمؤمنین علیه السلام را رد می‌کند. با اندکی تأمل، این شبهه و استدلال او نیز فرو می‌ریزد:

اول: تناقض در ادعای ابن تیمیه: ایشان در شبهه‌ی قبلی مدعی شده بود که آیه‌ی صادقین در شأن کعب بن مالک نازل شده است. در حالی که کعب نیز یک نفر است (حسینی میلانی، ۱۳۸۹: ۱۵۰/۵).

دوم: دلالت آیه بر عصمت: همان‌طور که گفته شد، آیه دلالت بر عصمت صادقان دارد و منظور از صادقین در آیه نیز امیرالمؤمنین علی علیه السلام و ائمه‌ی معصومین علیهم السلام هستند. بنابراین با جمع بودن لفظ «صادقین» منافات ندارد.

سوم: استعمال جمع در مفرد در آیات دیگر: در آیات دیگر قرآن نیز استعمال جمع در مفرد وجود دارد. مانند:

﴿فَلَا تُطِيعُ الْمُكذِّبِينَ﴾ (قلم: ۸): خطاب به پیامبر صلی الله علیه و آله است.

﴿فَلَا تُطِيعُ الْكَافِرِينَ﴾ (فرقان: ۵۲): خطاب به مؤمنان است.

﴿إِنَّا أَطَعْنَا سَادَتَنَا وَكُبَرَاءَنَا﴾ (احزاب: ۶۷): سخن مشرکان در جنگ احزاب است.

﴿وَلَا تُطِيعُوا أَمْرَ الْمُسْرِفِينَ﴾ (شعرا: ۱۵۱): خطاب به مؤمنان است.

﴿حَافِظُوا عَلَى الصَّلَوَاتِ﴾ (بقره: ۲۳۸): خطاب به مؤمنان است.

﴿وَإِخْفِضْ جَنَاحَكَ لِلْمُؤْمِنِينَ﴾ (حجر: ۸۸): خطاب به پیامبر صلی الله علیه و آله است.

در تمامی این آیات از واژگان جمع، اراده فرد شده است. (جهت آگاهی بیشتر به متون

تفسیری ادبی مراجعه شود).

نتیجه: استدلال ابن تیمیه بر عدم نزول آیهی صادقین در شأن امیرالمؤمنین علیه السلام باطل و آیه ناظر به ایشان و ائمه معصومین علیهم السلام است.

در باب پاسخ حلی: اشکالی که مطرح می شود این است که لفظ «اولی الامر» معنای عامی دارد، اما در مقام استعمال، معنای خاصی اراده شده است. اما اگر لفظ عام باشد و حکم هم بر جمع مترتب شود، ولی از نظر تحقق خارجی یک مصداق داشته باشد، اشکالی وارد نیست. همان طور که علامه طباطبایی رحمته الله در رسائل فلسفی بیان می کنند، در این موارد لفظ عام بر معنای خاص حمل می شود و اشکالی وجود ندارد (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۳۹۲/۴).

در مورد کلمه «اولی الامر» و «صادقین»: هر چند این کلمات به صورت جمع بیان شده اند، منظور، عصر خاصی نیست. بلکه منظور اطاعت از امامان معصوم علیهم السلام در هر زمان و مکان است. یعنی هر مسلمانی باید از امام زمان خود و همچنین از امامان گذشته اطاعت کند. بنابراین جمع بودن «اولی الامر» به معنای کثرت افراد نیست، بلکه به معنای کثرت زمان و مکان است (جوادی آملی، ۱۳۸۹: ۱۹/۲۵۰).

۴-۳. نقد شبهه چهارم ابن تیمیه (از راستگویان باشید)

ابن تیمیه در تفسیر آیهی «کونوا مع الصادقین» دچار مغالطه شده و مدعی است که منظور از این آیه، راستگو بودن است. با بررسی دقیق شواهد درون متنی و برون متنی آیه، نادرستی این تفسیر آشکار می شود:

اول: تبعیت و اقتدا، معنای اصلی همراهی: همان طور که در مباحث گذشته بیان شد، مقصود از «مع الصادقین» در آیه، تبعیت و اقتدا به راستگویان در امور دینی و اخلاقی است. این تفسیر با توجه به سیاق آیه و آیات مشابه، قوی تر به نظر می رسد.

مقایسه با اطاعت مطلق: تفسیر ابن تیمیه را می توان به این تشبیه کرد که بگوییم آیهی «اولوالأمر» بر اطاعت مطلق از خدا، رسول و اولوالأمر دلالت ندارد؛ زیرا اطاعت از کسی در امور مباح واجب نیست!

اشکال این تشبیه: اشکال این تشبیه در این است که اطاعت از اولوالأمر در امور دینی و



اخلاقی واجب است، در حالی که راستگو بودن در همه امور، واجب نیست.

نتیجه: بنابراین، تفسیر ابن تیمیه از آیهی «کونوا مع الصادقین» مغالطه آمیز بوده و منظور اصلی آیه، تبعیت و اقتدا به راستگویان در امور دینی و اخلاقی است (حسینی میلانی، ۱۳۸۹: ۱۵۲/۵).

دوم: فراز «كُونُوا مَعَ الصَّادِقِينَ» در آیهی شریفه اطلاق دارد و خداوند مؤمنان را به طور مطلق به همراهی و همگامی با صادقان امر کرده است، بدون آنکه این همراهی را به زمان، مکان یا امر خاصی محدود کند. ادعای ابن تیمیه با صراحت آیه مخالفت دارد، و دلالت آیه بر وجه دومی که وی ذکر کرده و آن را ناصحیح دانسته بسیار روشن است (حسینی میلانی، ۱۳۸۹: ۱۵۲/۵).

سوم: ابن تیمیه با تغافل از احادیث تفسیری که در ذیل آیه آمده است، آن را به دلخواه خود تفسیر می کند. در حالی که به اتفاق همه ی مسلمانان، سنت صحیح مفسر قرآن است و برای استدلال به قرآن باید آن را بر اساس احادیث وارد شده در ذیل آیات معنا کرد. بر اساس احادیث صحیح و معتبر نزد اهل سنت، مراد خداوند از صادقین در این آیه، همراهی با شخص یا اشخاص معینی است. چنان که فخر رازی نیز اعتراف کرده است، این شخص یا اشخاص، بر اساس براهین و ادله ی محکم باید معصوم باشند (حسینی میلانی، ۱۳۸۹: ۱۵۲/۵).

جمع بندی و نتیجه گیری

علمای شیعه اتفاق نظر دارند که آیهی شریفه ی صادقین در شأن و منزلت امیرالمؤمنین علی علیه السلام و ائمه ی معصومین علیهم السلام نازل شده است. این باور، همسو با روایات متعدد و مستند، از طریق دلایل عقلی نیز قابل اثبات می باشد.

در مقابل، در میان علمای اهل سنت نظرات گوناگونی درباره ی مصداق صادقین در این آیه وجود دارد:

برخی معتقدند که منظور از صادقین، حضرت علی علیه السلام است. این دیدگاه با روایات نقل شده از برخی صحابه مانند سلمان فارسی و ابوذر غفاری همخوانی دارد. عده ای دیگر، صادقین را به رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم و یاران ایشان تفسیر می کنند. گروهی نیز بر این باورند که آیه در شأن سه نفر از متخلفان جنگ تبوک نازل شده است. برخی دیگر از علمای اهل سنت، صادقین را به مهاجرین و یا ابوبکر و عمر نسبت می دهند.

پیش از ابن تیمیه، مفسران و عالمان برجسته‌ای مانند ابوالمظفر شافعی و طاهر اسفراینی و قاضی محمد بن عبدالله ابوبکرین العربی در آثار خود به نزول آیات قرآن در شأن شخصیت‌های خاص، از جمله ابوبکر، اشاره کرده‌اند. این دیدگاه، که بر صدیق بودن ابوبکر استوار است، پس از ابن تیمیه نیز ادامه یافته است. در مورد نزول آیه‌ای در شأن کعب نیز، بسیاری از علمای اهل سنت، چه پیش از ابن تیمیه و چه بعد از آن، دیدگاه‌های خود را مطرح کرده‌اند. اما در مورد شبهه وجود صادقین متعدد، به جز ابن تیمیه، فرد دیگری آن را مطرح نکرده است. با این حال، می‌توان شباهتی به این شبهه را در آیات دیگر مربوط به امامت، مانند آیه اولی الامر، مشاهده کرد.

در پاسخ به ابن تیمیه که مدعی صدیق بودن ابوبکر و افضلیت اوست، به موارد زیر اشاره می‌کنیم:

۱. فقدان دلیل: ادعای صدیق بودن ابوبکر بدون هیچ دلیل و سندی مطرح شده است.
۲. ضعف اسناد: روایاتی که صدیق بودن ابوبکر را نقل می‌کنند، از نظر سند ضعیف و غیرقابل اعتماد هستند و جعلی بودن آنها ثابت شده است.
۳. صدیق بودن امیرالمؤمنین: در مقابل، روایات معتبر و موثق از منابع شیعه و اهل سنت، امیرالمؤمنین علی علیه السلام را به‌عنوان صدیق واقعی معرفی می‌کنند.
۴. تناقض با قرآن: طبق آیات قرآن، صدیق کسی است که هرگز در ایمان خود تردید و شک نمی‌کند. با توجه به شواهد تاریخی، ابوبکر در مقاطعی از زندگی خود دچار تردید و شک شده بود، که این امر با مفهوم صدیق بودن در قرآن مغایرت دارد.
۵. عصمت صادقین: آیه قرآن کریم که به صادقین (راستگویان) اشاره می‌کند، بر عصمت آنها دلالت دارد. تاکنون هیچ مسلمانی جز امیرالمؤمنین علی علیه السلام ادعای عصمت نکرده است. با توجه به موارد ذکر شده، ادعای صدیق بودن ابوبکر و افضلیت او بر پایه هیچ دلیل و سند معتبری نیست. شواهد تاریخی و روایات معتبر، امیرالمؤمنین علی علیه السلام را به‌عنوان صدیق واقعی معرفی می‌کنند.

درباره‌ی شأن نزول آیه در شأن کعب بن مالک، این شبهه به چند دلیل قابل خدشه است:

۱. تناقض با سیاق آیات: آیات قبل از آیهی صادقین به سرزنش افرادی می‌پردازند که از شرکت در جنگ تبوک خودداری کرده‌اند. این تناقض وجود دارد که چگونه کعب بن مالک که جزو همین افراد بوده، می‌تواند مصداق صادقین باشد.

۲. ضعف سند روایات: روایاتی که نزول این آیه را در شان کعب بن مالک می‌دانند، از نظر سند ضعیف هستند و به لحاظ اعتبار قابل استناد نیستند.

۳. عدم عصمت کعب بن مالک: هیچ‌گاه ادعای عصمت برای کعب بن مالک مطرح نشده است.

با توجه به این نکات، به نظر می‌رسد که انتساب آیهی صادقین به کعب بن مالک و تفسیر آن به‌عنوان دلیلی بر عصمت او، مبنای قرآنی و روایی محکمی ندارد.

در نقد شبهه‌ی جمع بودن واژه‌ی «صادقین» نیز گفته شد:

۱. رد ادعای ابن تیمیه: ادعای ابن تیمیه مبنی بر نزول آیه در مورد کعب بن مالک (یک شخص) با جمع بودن صادقین تناقض دارد.

۲. جمع بودن صادقین و اراده‌ی فرد: جمع بودن «صادقین» و اراده‌ی فرد از آن اشکالی ندارد.

صادقین می‌تواند جمع باشد و حکم آن عام باشد، ولی در واقعیت فقط یک مصداق داشته باشد.

۳. عدم انحصار در عصر خاص: صادقین به عصر خاصی محدود نمی‌شود. هر کس باید از امام عصر خود و امامان گذشته اطاعت کند.

۴. عدم حمل بر مفرد: صادقین بر مفرد حمل نشده است.

در مورد شبهه‌ی چهارم که مدعی است آیه، صرفاً به راستگویی امر می‌کند، مغالطه‌ی ابن تیمیه آشکار است. ایشان بدون توجه به دلالت آیه و روایات ذیل آن، این بحث را مطرح کرده است.

دلایل بطلان شبهه:

- ظاهر آیه: به روشنی دلالت بر تبعیت و پیروی از صادقین دارد و منظور پیروی در امور مباح نیست.

- اطلاق آیه: آیه شریفه اطلاق دارد و به صورت مطلق به همراهی با صادقان امر می‌کند.

- تناقض با ادعای ابن تیمیه: ادعای ابن تیمیه با صراحت آیه مخالفت دارد.
- احادیث: بر اساس احادیث صحیح و معتبر نزد اهل سنت، مراد خداوند همراهی با شخص یا اشخاص معینی است.
- اعتراف فخر رازی: چنان که فخر رازی نیز اعتراف کرده است، این شخص یا اشخاص، بر اساس براهین و ادله‌ی محکم باید معصوم باشند.
- با توجه به دلایل ذکر شده، مغالطه‌ی ابن تیمیه در تفسیر آیه آشکار است و مراد آیه، امر به پیروی و همراهی با امامان معصوم علیهم السلام در تمامی امور است.



كتابنامه

- قرآن كريم (۱۳۷۳). ترجمه ناصر مكارم شيرازي، قم، دارالقرآن.
۱. ابن ابى حاتم رازي، عبدالرحمن بن محمد (۱۴۱۹). *تفسير القرآن العظيم*، رياض، مكتبة نزار مصطفى الباز.
 ۲. ابن بابويه (شيخ صدوق)، محمد بن علي (۱۳۹۵). *كمال الدين و تمام النعمة*، مصحح علي اكبر غفاري، تهران، دار الكتب الإسلامية.
 ۳. ابن بطريق، يحيى بن حسن (۱۴۱۷). *خصائص الوحي المبين*، محقق مالك محمودي، قم، دار القرآن الكريم.
 ۴. ابن تيميه حراني، احمد بن عبدالحليم (۱۴۰۶). *منهاج السنة النبوية في نقض كلام الشيعة القدرية*، محقق محمد رشاد سالم، بي جا، جامعة الإمام محمد بن سعود الإسلامية.
 ۵. ابن جوزي، ابوالفرج عبدالرحمن بن علي (۱۴۲۲). *زاد المسير في علم التفسير*، بيروت، دار الكتاب العربي.
 ۶. ابن جوزي، يوسف بن قزاوغلي (۱۳۷۶). *تذكرة الخواص*، قم، الشريف الرضي.
 ۷. ابن سيده، ابى الحسن علي بن اسماعيل (بي تا). *المحكم والمحيط الاعظم*، محقق عبدالحميد الهنداوي، بيروت، دارالكتب العلمية.
 ۸. ابن شهر آشوب، محمد بن علي (بي تا). *المناقب*، مصحح محمد حسين آشتياني و هاشم رسولي، قم، بي نا.
 ۹. ابن طاووس، سيداحمد بن موسى (۱۴۱۱). *بناء المقالة الفاطمية في نقض الرسالة العثمانية*، مصحح علي عدنان غريفي، قم، مؤسسة آل البيت عليه السلام لإحياء التراث.
 ۱۰. ابن عربي، محمد بن عبدالله (۱۴۱۹). *العواصم من التواصم في تحقيق مواقف الصحابة بعد وفاة النبي صلى الله عليه وآله*، عربستان، وزارة الشؤون الإسلامية والأوقاف والدعوة والإرشاد.
 ۱۱. ابن عطية اندلسي، عبدالحق بن غالب (۱۴۲۲). *المحرر الوجيز في تفسير الكتاب العزيز*، بيروت، دارالكتب العلمية.
 ۱۲. ابن فارس، احمد (۱۳۹۹). *معجم مقاييس اللغة*، محقق عبدالسلام محمد هارون، بي جا، دارالفكر.
 ۱۳. ابن قيم جوزيه، محمد بن ابى بكر (۱۴۱۵). *هداية الحيارى في الرد على اليهود و النصارى*، بيروت، دار الكتب العلمية.
 ۱۴. ابن كثير دمشقي، اسماعيل بن عمرو (۱۴۱۹). *تفسير القرآن العظيم*، بيروت، دارالكتب العلمية منشورات محمد علي بيضون.
 ۱۵. اخطب خوارزم، موفق بن احمد (۱۴۱۱). *المناقب (الخوارزمي)*، محقق مالك محمودي، قم، مؤسسة النشر الإسلامي.
 ۱۶. الازهرى هروى، محمد بن احمد (۲۰۰۱). *تهذيب اللغة*، محقق محمد عوض مرعب، بيروت، دار إحياء

- التراث العربي.
۱۷. اسفراینی، شهنورین طاهر (بی تا). *التبصیر فی الدین و تمييز الفرقة الناجية عن الفرق الهالكين*، مصحح محمد زاهد کوثری، قاهره، المكتبة الأزهرية للتراث.
۱۸. آلوسی، سید محمود (۱۴۱۵). *روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم*، بیروت، دارالکتب العلمیه.
۱۹. بحرانی، هاشم بن سلیمان (۱۴۱۶). *البرهان فی تفسیر القرآن*، محقق قسم الدراسات الاسلامیه موسسه البعثة، قم، بنیاد بعثت.
۲۰. بغوی، حسین بن مسعود (۱۴۲۰). *معالم التنزیل فی تفسیر القرآن*، محقق عبدالرزاق مهدی، بیروت، دار إحياء التراث العربي.
۲۱. بیضاوی، عبدالله بن عمر (۱۴۱۸). *أنوار التنزیل و أسرار التأویل*، بیروت، داراحیاء التراث العربي.
۲۲. ثعلبی نیشابوری، احمد بن ابراهیم (۱۴۲۲). *الکشف و البیان عن تفسیر القرآن*، محقق ابومحمد بن عاشور، بیروت، دار إحياء التراث العربي.
۲۳. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۹). *تفسیر تسنیم*، ج ۱۹، محقق سعید بندعلی، عباس رحیمیان، قم، اسراء.
۲۴. حسکانی، عبیدالله بن عبدالله (۱۴۱۱). *شواهد التنزیل لقواعد التفضیل فی الآیات النازلة فی أهل البيت (علیهم السلام)*، محقق محمدباقر محمودی، تهران، وزارة الثقافة و الإرشاد الإسلامی مؤسسه الطبع و النشر.
۲۵. حسینی شیرازی، سیدمرتضی (۱۴۳۱). *کونوا مع الصادقین*، عراق، موسسه التقی.
۲۶. حسینی میلانی، سیدعلی (۱۳۸۸). *افکار ابن تمیمه دربوته نقد*، قم، مرکز الحقائق الإسلامیه.
۲۷. حسینی میلانی، سیدعلی (۱۳۸۹). *جواهر الکلام فی معرفة الامامة و الامام*، قم، مرکز الحقائق الإسلامیه.
۲۸. حسینی میلانی، سیدعلی (۱۴۲۸). *شرح منهاج الكرامة فی معرفة الإمامة*، قم، مرکز الحقائق الإسلامیه.
۲۹. حلی، حسن بن یوسف (۱۳۷۹). *منهاج الكرامة فی معرفة الإمامة*، محقق عبدالرحیم مبارک، مشهد، تاسوعا.
۳۰. حلی، حسن بن یوسف (۱۹۸۲). *نهج الحق و كشف الصديق*، محشی فرج الله حسینی، بیروت، دار الكتاب اللبناني.
۳۱. حموی جوینی، ابراهیم بن محمد (بی تا). *فرائد السمطين*، محقق محمدباقر محمودی، بیروت، موسسه المحمودی.
۳۲. حیدری، سیدکمال (۱۴۲۵). *فی ظلال العقیدة و الاخلاق*، قم، دار فراقده.
۳۳. زرنندی، محمد بن یوسف (۱۳۸۳). *معارج الوصول إلى معرفة فضل آل الرسول و البتول*، محقق محمدکاظم محمودی، تهران، مجمع إحياء فرهنگ اسلامی.
۳۴. سفارینی، محمد بن احمد (۱۴۱۱). *لوامع الأنوار البهية و سواطع الأسرار الأثرية*، بیروت، المكتب الإسلامی.

۳۵. سمرقندی، نصرین محمدبن احمد (بی تا). *بحر العلوم*، محقق ابوسعید عمر بن غلامحسن عمروی، بیروت، دارلفکر.
۳۶. سیوطی، جلال الدین عبدالرحمن (۱۴۰۴). *الدراالمشور فی تفسیر المأثور*، قم، کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی.
۳۷. شمس الدین ذهبی، محمدبن احمد (۱۴۱۳). *المنتقى من منهاج الاعتدال فی نقض کلام أهل الرفض والاعتزال*، محقق محب الدین الخطیب، عربستان، الرئاسة العامة للبحوث العلمية والافتاء والدعوة والارشاد.
۳۸. شوشتری، سید نورالله بن شریف الدین (۱۴۰۹). *إحقاق الحق وإزهاق الباطل*، قم، کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی.
۳۹. طباطبایی، سید محمد حسین (۱۴۱۷). *المیزان فی تفسیر القرآن*، قم، دفتر انتشارات اسلامی جامعهی مدرسین حوزه علمیه قم.
۴۰. طبرسی، احمد بن علی (۱۴۰۳). *الاحتجاج*، مصحح محمدباقر موسوی، مشهد، نشر المرتضی.
۴۱. طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۲). *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*، تهران، ناصر خسرو.
۴۲. طبری، ابوجعفر محمد بن جریر (۱۴۱۲). *جامع البیان فی تفسیر القرآن*، بیروت، دار المعرفه.
۴۳. طوسی، نصیر الدین محمد بن محمد (۱۴۰۷). *تجرید الإعتقاد*، محقق محمدجواد حسینی جلالی، تهران، مکتب الإعلام الإسلامي.
۴۴. العاصمی الحنبلی، محمد بن عبدالرحمن (بی تا). *أبو بکر الصديق أفضل الصحابة وأحقهم بالخلافة*، بی جا، بی نا.
۴۵. عبدالملکی، محسن، فرمانیان، مهدی (۱۳۹۲). *پاسخ به شبهات وهابیان بر روایات عثمان بن حنیف در خصوص توسل*، کلام اسلامی، شهرپور، ش ۸۶.
۴۶. عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه (۱۴۱۵). *تفسیر نورالثقلین*، محقق سیدهاشم رسولی محلاتی، قم، اسماعیلیان.
۴۷. فخرالدین رازی، ابو عبدالله محمد بن عمر (۱۴۲۰). *مفاتیح الغیب*، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
۴۸. فرات کوفی، فرات بن ابراهیم (۱۴۱۰). *تفسیر فرات الکوفی*، محقق محمد کاظم محمودی، تهران، سازمان چاپ و انتشارات وزارت ارشاد اسلامی.
۴۹. فراهیدی، خلیل بن احمد (۱۴۱۰). *العین*، قم، منشورات الهجره.
۵۰. قرطبی، محمد بن احمد (۱۳۶۴). *الجامع لأحكام القرآن*، تهران، ناصر خسرو.
۵۱. قندوزی، سلیمان بن ابراهیم (۱۴۲۲). *ینابیع المودة*، قم، منظمة الاوقاف و الشئون الخيرية دارالاسوة للطباعة و النشر.

۵۲. کاشانی، ملافتح‌الله (۱۳۳۶). *تفسیر منهج الصادقین فی الزام المخالفین*، تهران، کتابفروشی محمد حسن علمی.
۵۳. گنجی، محمدبن یوسف (۱۳۶۲). *کفایة الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب* علیه السلام، محقق محمد هادی امینی، تهران، دار احیاء تراث اهل البيت علیهم السلام.
۵۴. مصطفوی، حسن (۱۳۶۰). *التحقیق فی کلمات القرآن الکریم*، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
۵۵. مفید، محمدبن محمد (۱۴۱۴). *سلسلة مؤلفات الشيخ المفید*، محققان سیدنورالدین جعفریان الاصبهانی، یعقوب جعفری، محسن احمدی، بیروت، دار المفید.
۵۶. مکارم شیرازی، ناصر و دیگر نویسندگان (۱۳۷۴). *تفسیر نمونه*، تهران، دار الکتب الإسلامية.

